

جستاری چند درباره فردوسی و شاهنامه

دفتر یکم

از گمان خریش سر کس یار فردوسی

عباس پریش روی

سرشناسه:	پریش روی، عباس، ۱۳۲۹-
عنوان و نام پدیدآور:	جستارهای پایه درباره فردوسی و شاهنامه: دفتر یکم از گمان خویش هرگز یار فردوسی / عباس پریش روی.
مشخصات نشر:	تهران: کتاب پنجره، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری:	۴۷۵ ص.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۷۸۲۲-۸۳-۱
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ق. - مطالعه - تصحیح انتقادی
موضوع:	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Criticism, Textual
رده بندی کنگره:	۱۳۹۵ ح ۴ پ/ ۴۹۵ PIR
رده بندی دیویی:	۸۱۰۹/۸۱۰۹
شماره کتابشناسی ملی:	۴۳۲۳۵۰۷



کتاب پنجره

تهران - خیابان سپهروندی شمالی - میدان شهید قندی - شماره ۱۹ - تلفن ۸۸۵۱۱۰۶۰

جستاری چند درباره فردوسی و شاهنامه
دفترینم

از گمان خویش هرکس یار فردوسی

نویسنده: عباس پریش روی

تیراژ: ۳۵۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۵

حروفچینی و لیتوگرافی: صبا

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۲۲-۸۳-۱

ISBN: 978-964-7822-83-1

بها: ۴۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است.

فهرست راهنما

۹	پیشگفتار
۱۵	وین خرم
۲۹	یشت
۳۷	مایه کاس
۴۷	نوش مرد
۵۹	پیش سخن فردوسی در داستان رستم و اسفندیار
۷۳	نازک اندیشی و متن پردازی فردوسی
۷۹	سده در شاهنامه
۱۰۹	زایش فرود
۱۲۱	ز گفتار دهقان
۱۷۱	بررسی ملحقات چاپ مسکو
۲۹۵	دستنویس فلورانس
۲۹۶	دیدگاه برتری و ارجمندی دستنویس فلورانس
۳۰۹	دیدگاه نابرتی و ناراجی دستنویس فلورانس
۳۲۳	دیدگاه پژوهشگر
۳۳۵	۱- ریخت و نمای ویژه و نویدید در دستنویس فلورانس
۳۴۰	۲- سرنویس آفرینی در دستنویس فلورانس
۳۴۸	۳- از بر خوانی شاهنامه خوان
۳۴۸	الف- واژگان برآمده از کوچه و بازار و گویش بومی شاهنامه خوان
۳۵۹	ب- نویسی برآمده از خوانش نمایشی و آهنگین شاهنامه خوان
۳۶۴	پ- خوانش ادبیانه و دانش فروشی و خودنمایی شاهنامه خوان
۳۶۷	ت- لغزش شاهنامه خوان
۳۶۸	ج- نویسی دستنویس کننده از شنیده هایش
۳۶۹	چ- جایجا شدن واژه ها و بیت ها
۳۷۳	۴- دیگرگونی بیتها و پاره بیتها به تنهایی در دستنویس فلورانس و برآمده از هوش و ویر شاهنامه خوان
۳۷۵	الف- بیتها و پاره بیتهای کنار نهاده شده از فلورانس به تنهایی
۳۷۸	ب- بیتها و پاره بیتهای برگزیده شده از فلورانس به تنهایی

۳۸۸	۵- دیگرگونه‌ی واژه‌ها و نام‌ها و واج‌ها در فلورانس به تنهایی
۳۸۹	الف- واژه‌ها و نام‌ها و واج‌های کنار نهاده شده از فلورانس به تنهایی
۳۹۳	ب- واژه‌ها و نام‌ها و واج‌های گزیده شده از فلورانس به تنهایی
۴۰۳	۶- گزینش از دستنویس فلورانس به همراه چند دستنویس همخوان
۴۰۳	الف- گزینش از دستنویس فلورانس به همراه یک دستنویس
۴۱۵	ب- گزینش از دستنویس فلورانس به همراه دو دستنویس
۴۲۶	پ- گزینش از دستنویس فلورانس به همراه سه دستنویس
۴۳۰	ت- گزینش از گروه همخوان با دستنویس فلورانس بجای گروه دیگر
۴۳۶	۷- کنار نهادن واژه و واج‌ها و پاره‌بیت از فلورانس به همراه چند دستنویس
۴۴۱	۸- کنار نهادن بیت یا بیت‌ها یا داستانی به بهانه نبود آن در فلورانس به همراه چند دستنویس
۴۴۵	۹- نبود بیت یا بیت‌ها یا داستانی در دستنویس فلورانس به تنهایی
۴۴۶	۱۰- افزودن داستان یا بیت یا بیت‌ها یا داستانی به تنهایی
۴۴۷	۱۱- لغزش چشم یا یا و هوش
۴۵۳	۱۲- نمونه‌ها و گزارش‌ها پراکنده
۴۶۴	برآمد جستار
۴۷۱	کتابنامه

پیشگفتار

دلبستگی مردم ایران به شاهنامه و فردوسی، بی‌شمار کسان، چه ایرانی و چه بیگانه، را به میدان شناخت شاهنامه کشانیده است. میدانی که از تاخت و تاز دستنویس‌کنندگان، شاهنامه‌خوانان و ویرایشگران به‌آوردگاهی ناهموار و هفتخانی ستیزنده و پرخار و سنگ‌مانند گشته، آنچنان‌که کهنه پهلوانان کارآزموده را نیز به‌زانو درمی‌آورد. و برای چون رستم فردوسی و یا همراهانی چون سی‌مرغ عطار می‌خواهد. و گرنه بی‌زخم دل کسی به‌پایان راه نخواهد رسید.

فردوسی سرچشمه منش و فرهنگ و تاریخ ایران‌زمین را به‌زبانی هنرمندانه و فراگیر بازآفرینی کرد و در شاهکار خود، چونی سرشته‌شدن پندار و رفتار ایرانی را درگذر زمان یادآور و فراوی مردم ایران به‌یادگار گذاشت. شاهکاری که چنان نازش‌آفرین بوده و هست که از آغاز سرایش تا به امروز، زبان به‌زبان و دست به‌دست، در کار بازگویی و بازنویسی است و همگان آن را گنجینه‌ای از آن خود می‌پندارند تا جایی‌که برخی نیک‌اندیشان دانا و یا بداندیشان نادان به‌خود پروانگی داده‌اند که بدان بیفزایند و یا از آن بکاهند و دوستان نیز بدنویسی و بدخوانی آنرا برنتابند و به‌گمان خویش و به‌دلخواه آنرا بازیابی و بازسازی نمایند و این‌کار تاکنون، دستنویس به‌دستنویس، انجام

پذیرفته است تا به امروز که ویرایشگران نیز در همان راه گام برمی دارند و از گمان خویش یار فردوسی گشته اند.

از ویژگی های بی مانند فردوسی، نگرش همه سویه او به هنگام آفرینش شاهکار هنری و فرهنگی خویش است که در آن هیچ یک از پدیده های زندگی چون: تاریخ، زبان، هنر و فرهنگ و ادب، آیین، زندگی و مرگ، یزدان باوری و یزدان شناسی، پهلوانی، فرمانروایی، منش و رفتار، نیک اندیشی و بداندیشی، زیبایی و زشتی، آشتی و جنگ، آسودگی و رنج، شادی و اندوه، جشن و سوگ، زرشا و دریغ ها، چونی و چرایی ها، پند و اندرز، رویکردهای زمانه، دورنمای آینده، داستان پر زری و سخن آفرینی، ویژگی روانی و واکنش های آدمی و... را فراموش نمی کند و برای پیشبرد آرمان رنگ آفرینش، که شناساندن پیشینه پربار و توانمند ایران زمین و برخیزانیدن خودباوری خفته مردم ایران است، کوشیده است تا شیوه و روایی از سخن و سرایش را برگزیند تا کم دانش ترین مردم شهر آذری، کوه و دشت، توانایی آن را داشته باشند که سخن و سروده وی را همچون فرهیختگان و دانش اموزان، دریابند. پس تاجایی که شدنی می بود و از توان او برمی آمد از پیچیده گویی و سخنان بی معنی و سخت معنی و بد معنی پرهیز کرد و با شناخت گسترده ای که از زبان و نوشتار و کاربری همگانی آن داشت از به کار بردن واژه های دیرپاب و سخت معنی و یا گویشهای بومی خودداری کرد و با واژگانی که روان داشت، به زبانی نوشت که برای مردم زمانه و آیندگان از هر دسته و گروهی، درخور دریافت باشد و دانش آفرینش را پایدار نگهداشت.

فردوسی اگر هم در ویرایش نخست خود کم گویی و دشواری دید، آن را در ویرایش های سپسین برای دریافت بهتر و آسانتر، گسترش بخشید و گویاتر و سنجیده تر و چنانچه نیاز می بود کوتاه تر ساخت. ناساز با آنچه که برخی ویرایشگران می پندارند (بر فردوسی می پسندند!) که کوتاه گویی (ایجاز) و دشوار نویسی فردوسی، نشان از شکوه مندی سرود و توانمندی سراینده دارد، و به نادرست ساخت و سازهای شاهنامه خوانان و دست برده های آگاهانه و نا آگاهانه دستنویس کنندگان را، به بهانه نویسی دشوارتر برمی گزینند و نمی اندیشند که فردوسی که خود روستائیشینی بیدار دل و جهان بینی روشن اندیش بود، می دانست که می باید دست هم میهنانش را بگیرد و آنان را به شناخت خویشین تاریخی خویش و توانایی های نهفته شان یاری دهد. و نه آنکه چونان برخی سرایندگان کم اندیش و خودنمای امروزی، بپندارد که مردمان می بایست به خویشکاری خود، بکوشند تا با افزایش دانش و بینش و هنر بجایی برسند که سخن و خواست سراینده را دریابند.

کار پیروزمندانه فردوسی که نیاز تاریخی-روانی مردم ایران را دربر داشت چنان بر دل ایرانی نشست و فراگیر شد که از همان زمان آفرینش و با همه سختی و هزینه رونویسی، دستنویس‌های بسیاری از بخش‌بخش شاهنامه و یا همه آن فراهم گردید و در هیاو و تنگنای جنگ و کشتار و چیرگی بیگانگان و نیز ویرانگری مغولان، از فرآوری و بازنویسی فرونماند. و چنین بود که اکنون صدها دست‌نوشته از آن برجای مانده است و همین فراوانی و بسیاری دستنویس‌هاست که برای ویرایشگران شاهنامه دشواری آفرین شده است.

در هنگام رونویسی از شاهنامه، بدخوانی و بدنویسی و جایگزین ساختن واژه‌های گمان‌شده (تصحیح قیاسی) از سوی دستنویس‌کنندگان خود بهانه‌ای برای دست‌برد و تا اندازه‌ای تباهی شاهنامه شد و آنگاه که پدیده دستنویس‌شدن از راه گوش و گوش سپردن به خوانش شاهنامه‌خوان - که ویژگی‌های خود را برای دست‌برد، افزایش، کاهش، جابجایی، دیگرگون‌سازی واژه‌ها و بیتها دارد - روایی یافت، به گونه‌ای دیگر و سر به تباهی شاهنامه دامن زد. شیوه‌ای از دستنویسی که از چشم شاهنامه‌پژوهان به دور مانده است. دو زرد گفته‌شده در بازنویسی شاهنامه، و نبود خواست و توانایی و راهکارهایی برای شناخت دست‌نویس‌ها و نیز ویرایش‌های خود فردوسی بهانه‌ای بوده است تا برخی گروه یا کسان برای از میان برداشتن دشواریها و بازسازی و پاک‌سازی شاهنامه، آنچنان که به سروده خود فردوسی نزدیک باشد، دست به کار شوند و نخستین کسان با بهره‌گیری از آموخته‌ها و دانسته‌ها و یافته‌های (بیشتر ادبی) خویش، به تنهایی به بهسازی واژه‌ها و یا معنی بخشیدن به بیتها و یا واژه‌های بدنویسی شده و یافتن پیوند میان بیتها، دست زدند. گروه یا کسانی که سپس تر با شیوه‌های دانشی و دانشورانه‌آشنایی یافتند، با برابرنهادن دستنویس‌ها در برپایه سنجه‌های یافته شده‌ای چون: کهتری بودن دستنویس، همخوانی بیشترین دستنویس‌ها و شیوه مردم‌اندانه‌تری برای بازپیرایی و نزدیک شدن به سخن و سرود فردوسی برگزینند که تا اندازه‌ای دایره‌سال گردید و نام و آوازه‌ای به دنبال داشت که ویرایش دست‌اندرکاران چاپ مسکو را می‌باید از این نوبه به شمار آورد.

داستان ویرایش و ویرایش شاهنامه به همین کار پایان نگرفت و دوستان و پژوهشگران ایرانی، دریافتند که «کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من» و آنچه بیگانگان فراهم می‌آورند، با همه سودمندی و نیکویی، پاسخگوی فرهنگ و ادب نهفته در شاهنامه نیست و هنوز می‌بایست به جستجو و کندوکاو پرداخت تا دشواری‌های شاهنامه به شایستگی از میان برخیزد. از این‌روی، برخی کسان با باور به دانش و توانایی خویش و یا برای نامجویی، به تنهایی دست به کار بازسازی و

بهسازی شاهنامه شدند و آنان که اندیشمندتر بودند از راهکارها و سنجه‌های یافته‌شده بهره بیشتری گرفتند و با پشتکاری جانانه که برایشان نام و آوازه‌ای دربر داشت، کار را دنبال و به سرانجام (دلخواه خویش) رسانیدند. با این همه، چون نیک بنگریم این پژوهندگان و دلبستانان به شاهنامه نیز ناخودآگاه و ناخواسته چنان به یافته‌ها و دانسته‌ها و دیدگاه خود پایبند گشتند که سرانجام کارشان کم و بیش و یا چیزی به‌مانند دست‌بردهای دستنویس‌کنندگان و یا شاهنامه‌خوانان از آب درآمد، آنچنان که اگر کسی ازین پس دست به کار پالایش و ویرایش شاهنامه شود، این بار افزون بر برابر نهاد، دستنویس‌های برگزیده و کارپایه، می‌بایست ویرایش‌های انجام‌شده را نیز پیش روی داشته باشد تا بتواند بهتر و گزینش و ویرایش را فراهم آورد (۱). بویژه که گروهی پیرو آند تا از دستنویس‌ها و ویرایش‌های بهره‌جویند که بیشترین بیتها را همچون ویرایش ژول‌مول و ترنرماکان دربر داشته باشد و در ویرایش دیگر پیرو و باورمند به کوتاه‌گویی و کم بودن اندازه بیتهای شاهنامه هستند و خواهان کنار نهادن استانک‌ها و داستانهایی که به‌گمان و پندارشان افزوده به‌شمار می‌روند، و می‌بینیم که هر کس یا هر گروهی که بیش از چند تن نیستند) با همه پاک‌نهادی و دلسوزی و سخت‌کوشی خود بازهم ناخواسته و نادانسته به‌آلودگی و دشواری و شاید به‌تباهی شاهنامه می‌افزایند. از همین روی، برخی کسان و نویسندگان، همگان را به «ویرایش‌بس» و کار گروهی فرا می‌خوانیم. زیرا بهسازی و پاکسازی شاهکار شگفت‌انگیز و بی‌مانند فردوسی از یک تن و یا گروهی اندک بر نمی‌آید و به‌کار گروه بزرگی از اندیش‌مندان و دانش‌مندان برتر رشته‌های گوناگون دانش و آنچه امروز «علوم انسانی» می‌خوانیم، نیاز دارد. گویا که در بنیاد و نهادی ویژه به‌نام فردوسی و برای شاهنامه گرد هم آیند و با بهره‌گیری از همه پژوهش‌های دانش‌رانه و دانشی و رایانه بکوشند تا شاید بتوانند به‌سروده و ساختار هنری فردوسی نزدیک و ساه‌مهم آراسته و پیراسته فراهم آورند. و تا آنروز و برآورده شدن آرزو، شاهنامه‌پژوهان به‌جای ویرایش همه شاهنامه و یا بخشی از آن، در کار گره‌گشایی از؛ واژگان، بیتها، سامان، معنی، شناخت دستنویس‌ها، شناخت و ویرایش‌های خود فردوسی، جستجوی سنجه‌های سودمندتر و... بکوشند.

برای آشنایی خوانندگان با چرایی نیاز به فراخوان بالا، پژوهشگر در جستارهای این دفتر و هنگام گزارش از نمونه‌های برگزیده‌شده، کوشیده است تا بآبهره‌گیری از دستنویس‌ها و ویرایش‌های کارپایه؛ همخوانی و ناهمخوانی، درستی و نادرستی و چگونگی گزینش و نویسنش آنها را پیش روی خواننده بگذارد تا به‌اندازه دست‌برد و ساخت و ساز دستنویس‌کنندگان و شاهنامه‌خوانان و اندازه

دانش و شناخت و چونی گزینش ویرایشگران پی برده و خود به سنجش و داوری پردازند و هرگز بی کندوکاو و پژوهش از گفت و سخن نام‌آشنایی و نامداری پیروی نکنند تا کارشان چون کار شتابزده پژوهشگر از آب در نیاید که برپایه های وهوی (تبلیغات) براه افتاده از سوی برخی نام‌آشنایان، ناسنجیده و نابرسیده در پیشگفتار کتاب «برابرنهاد شاهنامه فردوسی و غرزالسیر ثعالبی»، واپسین ویرایش شاهنامه را آراسته‌ترین و پیراسته‌ترین خوانده است و بیم آن دارد که باری دیگر و خرده‌گیری دیگر با خواندن جستاری از این دفتر، اورا دچار دوگویی و «پارادوکس» بپندارد! در این دفتر که (اگر زندگانی بود دیرپاز...) دفترهای دیگری نیز در پی خواهد داشت، با بهره‌گیری از پژوهش‌های نوین و دانش‌ورانه کسان و بزرگانی در زمینه فرهنگ و زبان و بویژه شاهنامه‌پژوهی و فردوسی‌شناسی، پژوهشگر از دید و نگرش خود به بررسی و گزارش چند واژه، بیت، داستان، داستانک کاست و افزود و نیز شناخت برخی دستنویس‌ها و پاسخ‌یابی برای پرسش‌های خود پرداخته است. بار دارد که یافته‌ها و گزینش و گزارش‌هایش، برترین و درست‌ترین و واپسین سخن برتر است. چنانچه برخی از آنها پذیرفته آید، نشان آن خواهد بود که پژوهشگر از پژوهش‌های ارزنده شاهنامه‌پژوهان و دیگران به‌بهترین گونه و به‌شایستگی بهره برده است. و خود را به برتراندیشی و دانش فروسی نمی‌ریاند؛ ولیکن نبیند کس آهوی خویش/ ترا روشن آید همی خوی خویش.

گرچه نگرش و شناخت پژوهشگر از شاهنامه و فردوسی و نگرش و شناخت استاد خالقی مطلق بسیار باهم ناسازند، بی‌گمان و به‌استواری می‌باید گفت که پژوهشگر و امدار استاد خالقی مطلق است که کار ارزنده برابرنهاد دستنویس‌های شاهنامه را با پایمردی انجام رسانیده‌اند. کاری که برای شناخت دشواری آن واژگانی چون: جانکاه، تن‌فرسا، چشم‌آزرا، خدای آفرین، آرام‌زدا، لغزش‌پذیر و... پاسخگو نتواند بود. و امداری جهان شاهنامه‌پژوهی کمترین سپاس‌گزاران از ایشان به‌شمار می‌آید. امید که آیندگان با پیروی و آموختن از پشتکاری ایشان، در یافتن و برابر نهادن دستنویس‌هایی چون دستنویس‌های کارپایه زول‌مول و ترنر ماکان و دستنویس‌های برتر بکوشند و زمینه را برای باری به شاهنامه پژوهان و برآورده شدن آرزوی داشتن ویرایشی پاک که شایسته بزرگ‌مرد فرهنگ ایران باشد، فراهم آورند.

سرانجام سخن آنکه کارهایی از این دست که با نمونه‌های آماری همراهند، به دور از لغزش و نادروستی و کاستی نخواهد بود و نگارنده امیدوار است که دوستان‌ان شاهنامه و فردوسی با

راهنمایی و یادآوری لغزشها و سستی‌ها و گفت‌وگو درباره نگرش و یافته‌های شاید درست پژوهشگر، به وی انگیزه بخشند تا در پژوهش‌های سپسین خود کوشاتر باشد. زیرا، خوب یا بد؛ ما نیز از گمان خویش یار فردوسی بوده‌ایم.

رشت ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۴

www.ketab.ir